

آثار معادباوری از منظر قرآن و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

معادباوری، از اصول ادیان توحیدی است که بعد از توحید، مهم‌ترین مسأله دینی است؛ زیرا مبدأ و معاد، مسیر زندگی انسان را تعیین و نگاه انسان به انسان و هستی را تغییر می‌دهد. امروزه اگر برخی را مشکلات روحی و روانی رنج می‌دهد، بدان جهت است که از دنیا و آخرت، تعریف صحیح و هدفمند ندارند. اگر انسان بداند که دنیا، مجموعه‌ای از رنج‌ها، تلخی‌ها، لذت‌ها، خواسته‌ها و نخواست‌هاست، مطمئناً معنای «چگونه بودن»، «چگونه زیستن» و «چگونه مردن» را درک می‌کنند. بر این اساس همه انبیا دعوت به دو حقیقت «مبدأ» و «معاد»،^۱ را در سرلوحه دعوت خود قرار داده‌اند؛ زیرا باورهای آخرت‌نگرانه به این حقیقت نظر دارد که هدف نهایی از منظر اسلام، حیات جاودان آخرت و دنیا، مقدمه‌ای برای آن است: «الَّذِينَ خَلَقْتُ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تُخَلِّقْ لِنَفْسِهَا».^۲ انسان آخرت‌گرا باور دارد که زندگی به این چند روز دنیا محدود نیست؛ بلکه آنچه پیش‌روی دارد، از مقایسه قطره به دریا نیز کمتر است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ».^۳

بعضی جوامع اعتقادات دینی را مقوله‌ای جدا از زندگی انسان، تعریف و امور دینی را رابطه فردی انسان با خدا تلقی نموده‌اند و حال آنکه ایمان به خدا و روز قیامت در زندگی انسان نقش اساسی دارد. یکی از راه‌های نشان دادن این امر، مراجعه به متون دینی است. در این نوشتار برخی آثار فردی معادباوری از منظر قرآن و روایات بررسی می‌شود.

* کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی.

۱. نساء: ۱۶۲.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح، ص ۸۵۲.

۳. عنکبوت: ۶۴.

۱. اصلاح نگرش انسان به دنیا

اعتقاد به معاد، نگرش انسان به دنیا را تغییر، و دنیا را برای انسان به عنوان ابزاری در جهت رسیدن به یک زندگی جاوید قرار می‌دهد. بر اساس جهان‌بینی توحیدی دنیا برای انسان آفریده شده و نه انسان برای دنیا، و شخصیت انسانی گرانباتر از آن است که خود را به متاع دنیا و جلوه‌های فریبنده آن بفروشد. اعتقاد به معاد، بینش انسان را به عالم هستی وسعت می‌بخشد و او را از تنگنای دنیا به فراخنای جهان باقی پیوند می‌دهد. مؤمنان این حقیقت را به خوبی دریافته‌اند که کتاب زندگانی بشر سرفصل‌های بی‌شماری دارد که چند بخش از آن در حیات دنیا حاصل گردیده است، اما فصل‌های مهم آن پس از قیامت آغاز می‌شود.^۱ سردار رشید اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی در نامه خویش به فرزندش می‌نویسد:

من دیدم هر کس در این عالم راهی برای خود انتخاب کرده است. یکی علم می‌آموزد و دیگری علم می‌آموزاند. یکی تجارت می‌کند، کسی دیگر زراعت می‌کند و میلیون‌ها راه یا بهتر است بگویم به عدد هر انسان یک راه وجود دارد و هر کس راهی را برای خود برگزیده است. من دیدم چه راهی را می‌بایست انتخاب کنم. با خود اندیشیدم و چند موضوع را مرور کردم و از خود پرسیدم اولاً طول این راه چقدر است، انتهای آنها کجاست؟ فرصت من چقدر است؟ و اساساً مقصد من چیست؟ دیدم من موقت‌م و همه موقت هستند. چند روزی می‌مانند و می‌روند. بعضی‌ها چند سال، برخی‌ها ده سال، اما کمتر کسی به یک صد سال می‌رسد. اما همه می‌روند و همه موقتند. دیدم تجارت بکنم، عاقبت آن عبارت است از مقداری سکه براق شده و چند خانه و چند ماشین؛ اما آنها هیچ تأثیری بر سرنوشت من در این مسیر ندارد. فکر کردم برای شما زندگی کنم. دیدم برایم خیلی مهم‌اید و ارزشمندید؛ به طوری که اگر به شما درد برسد، همه وجودم را درد فرا می‌گیرد. اگر بر شما مشکلی وارد شود، من خودم را در میان شعله‌های آتش می‌بینم. اگر شما روزی ترکم کنید، بندبند وجودم فرو می‌ریزد؛ اما دیدم چگونه می‌توانم حلال این خوف و نگرانی‌هایم باشم. دیدم من باید به کسی متصل شوم که این مهم مرا علاج کند و او، جز خدا نیست. این ارزش و گنجی که شما گل‌های وجودم هستید، با ثروت و قدرت قابل حفظ کردن نیست؛ وگرنه باید ثروتمندان و قدرتمندان از مردن خود جلوگیری کنند و یا ثروت و قدرتشان، مانع مرض‌های صعب‌العلاجشان شود و از در بستر افتادگی جلوگیری نماید. من خدا را

1. <http://www.quranstudies.ir/content/%D8>

انتخاب کرده‌ام و راه او را.^۱

در زندگی دنیا، هم آرزوهای بلند و هم ناامیدی‌های عمیق در کمین انسان نشسته‌اند. آنچه هر دورا به بند می‌گذش، یاد مرگ است. همسر فرعون، نماد آخرت‌گرایی در قرآن است. او با آنکه زندگی بسیار مرفه‌ی داشت، اما در میان زرق و برق دستگاه فرعون، به فراخنای بهشت چشم گشود و دعا کرد: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛^۲ پروردگار من! خانه‌ای برایم در جوار قربت در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارهایش رهایی بخش). او جوار رحمت پروردگارش را خواسته است تا با خدا نزدیک باشد و این نزدیکی با خدا را بر نزدیکی با فرعون ترجیح داد و به غیب ایمان آورد.^۳

کسی که در لذت‌های دنیا غرق شده است، دوری از دنیا را سخت می‌داند و از مرگ‌گریزان است. از ابوذر پرسیدند: چرا از مرگ می‌ترسیم؟ گفت: «لَا تَكُمُ عَمَلُكُمْ الدُّنْيَا وَ خَرَبْتُمْ الْآخِرَةَ فَتَكْرَهُونَ أَنْ تَنْتَقِلُوا مِنْ عُمْرَانٍ إِلَى خَرَابٍ»؛^۴ شما دنیا را آباد و آخرت را خراب کرده‌اید، پس کراهت دارید که از آبادی به سوی خرابی بروید).

امام خمینی علیه السلام، محبت قلبی خاصی به سیدعلی فرزند کوچک حاج احمدآقا داشت. در آخرین لحظات عمر ایشان، همه اعضای خانواده جز سیدعلی بر بالینش حاضر بودند. ایشان اجازه نداد که نوه کوچک‌اش بر بالینش حضور یابد. حاج احمدآقا درباره علت این امتناع می‌گوید: من دیدم که امام علیه السلام در چهل حدیث این مطلب را دارند که همواره در لحظه مرگ، شیطان برای اینکه انسان‌ها را از یاد خدا غافل کند، آن چیز و یا آن کسی را که بیش از همه دوست می‌دارد، در مقابل چشمانش نمایان می‌کند و از آنجا که ایشان نوه کوچک خود را بسیار دوست می‌داشت، از فرزند خود خواست تا سیدعلی را بر بالینش نیاورد.^۵

۱. خبرگزاری ایسنا؛ «هرگز نمی‌خواستم نظامی شوم»؛ ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، کد خبر: ۹۹۱۱۲۱۱۶۳۷۰.

<https://www.isna.ir/news/99112116370>

۲. تحریم: ۱۱.

۳. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۹، ص ۳۴۴.

۴. محمد بن علی صدوق؛ اعتقادات الإمامیه؛ ص ۵۷.

۵. باشگاه خبرنگاران جوان؛ «چرا امام خمینی علیه السلام نخواستند در لحظات آخر نوه کوچک‌شان را ببینند؟»؛

۱۳۹۶/۰۸/۰۱، کد خبر: ۶۲۹۶۱۲۵.

<https://www.yjc.ir/fa/news/6292125>

۲. غفلت‌زدایی

یکی از آثار مهم یاد مرگ، غفلت‌زدایی است. انسان غالباً در دنیا، از هدف اصلی خلقت غافل می‌شود و به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی، همیشه در دنیا خواهد ماند. یاد مرگ، مایه تذکر و تنبیه است که هدف را فراموش نکند. آیات و روایات، با تعبیرات مختلف انسان را به یادآوری مرگ و قیامت توصیه و از عواقب غفلت و بی‌توجهی به آن برحذر می‌دارد. ایمان به معاد سبب می‌شود انسان پیوسته به یاد خداوند باشد و در انجام هر کاری خواست خدا را در نظر داشته باشد: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»^۱ و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد». علامه طباطبایی^۲ در ذیل این آیه می‌فرماید: «آیه دستور به تقوا و یادآوری حشر و بعث می‌دهد؛ زیرا با یاد قیامت است که انسان از گناه دوری می‌کند»^۳.

امام علی^{علیه السلام} فرمود:

يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الْمَوْتَ لَيْسَ مِنْهُ فَوْتٌ فَاحْذَرُوهُ قَلِيلٌ وَقُوعِهِ وَاعْدُوا لَهُ عُدَّتَهُ فَإِنَّكُمْ طِرَادُ الْمَوْتِ فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ عِنْدَ مَا تُنَازِعُكُمْ أَنْفُسُكُمْ إِلَيْهِ مِنَ الشَّهَوَاتِ...^۳ بندگان خدا! هرگز از مرگ، گریزی نیست و نمی‌توان از آن گذشت. پس بترسید قبل از وقوع آن و هر چه را برای مرگ لازم است، آماده کنید؛ زیرا مرگ همه شما را فرا می‌گیرد... پس هنگامی که نفس‌تان به طرف شهوات اشتیاق پیدا می‌کند، مرگ را بسیار یاد کنید.

به همین دلیل است که هر امر مربوط به مرگ، می‌تواند عامل بیداری و دوری از غفلت محسوب گردد؛ همچنان‌که امام صادق^{علیه السلام} می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مَعَهُ كَفَنُهُ فِي بَيْتِهِ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»^۴ کسی که کفنش با او در خانه‌اش باشد، از غافلان به شمار نمی‌آید».

۳. آرامش‌روانی

انسان‌ها نسبت به شناخت انسان و هستی دورویکرد مادی‌گرایانه و آخرت‌باورانه دارند. مادی‌گرایان آغاز و انتهای دنیا را همین عالم مادی می‌دانند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آنها را می‌گیرند؛ و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی‌کند»^۵. اندیشه فنا برای کسانی که مرگ را پایان زندگی می‌دانند، چنان جانکاه است

۱. بقره: ۲۰۳.

۲. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۸۷.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الأمالی؛ ص ۲۶۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۲۵۶.

۵. جائیه: ۲۴.

که مجبورند عمر خویش را با تلخی سپری کنند؛^۱ زیرا روی برتافتن از معنویت، بر خلاف قانون خلقت است. هر چه این حرکت معکوس تداوم یابد، این بحران و رنج شدیدتر و به قول استاد مطهری^۲ انسان را سخت رنج می‌دهد.^۳ از سوی دیگر طبیعت دنیا، مستلزم آن است که انسان همیشه به آنچه می‌خواهد نمی‌رسد و با ناکامی‌ها مواجه می‌شود: «... زیرا که در زندگی مشکلات و حوادثی وجود دارد که بدون ایمان به آخرت، انسان نمی‌تواند آنها را تحمل کند. به راستی اگر زندگی محدود به همین چند روز عمر دنیا بود، تصور مرگ برای هر انسانی کابوس وحشتناکی می‌باشد، به همین دلیل منکران معاد همیشه در یک نوع نگرانی جانکاه و عذاب الیم به سر می‌برند...»^۳.

امام علی^{علیه السلام} فرموده است: «وَمَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا اتَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ هُمْ لَا يُؤْتِيَهُ وَ جِزْءٍ لَا يَثْرُكُهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ»^۴ و هر که دلش شیفته دنیا است، سه چیز بر قلبش چیرگی دارد: اندوهی که از او دست بر ندارد و حرصی که رهایش نکند و آرزویی که به او نرسد». از همین روست که امروزه بشر در عین حال که به پیشرفت‌های حیرت‌آور در زمینه‌های گوناگون دست یافته، اما به آرامش روانی نرسیده است. بر اساس برخی آمارها ۵۰ تا ۷۵ درصد افراد سنین بالا در جوامع غربی از ترس و نگرانی در مورد مرگ رنج می‌برند.^۵ یکی از مهم‌ترین علل این امر، دوری از خدا و انکار آخرت است: «وَ أَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَغْتَابْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا».^۶ از همین روست که ویلیام جیمز می‌گوید: «آدمی به این اعتقاد نیاز دارد که در ورای این عالم محسوس، عالم دیگری وجود دارد که غرق در معنویت است و همین اعتقاد است که سبب می‌گردد تا به افرادی که بدان پایبند هستند، در برابر حوادث نیرو و قدرتی عظیم ارزانی دارد».^۷

۱. طه: ۱۲۴.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۱۹۹.

۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۸، ص ۲۳.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۵۰۹.

۵. مریم رستمی و همکاران؛ «اضطراب مرگ در سالمندان: نقش سرسختی روان‌شناختی و التزام عملی به نماز»؛ مجله روان‌شناسی پیری؛ ص ۳۱۱.

۶. اسراء: ۱۰.

۷. حمید محمدقاسمی؛ «آثار تربیتی اعتقاد به معاد از منظر داستان‌های قرآن»؛ خیرگزاری فارس؛ ۱۳۸۵/۰۲/۰۷، کد خبر: ۸۵۰۲۰۶۰۳۶۴.

در مقابل مادی‌گرایان، انسان‌های الهی معتقدند خداوند، آنها را بیهوده نیافریده و به زودی به سوی او باز می‌گردند: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۱ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟». امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

ای پسر! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم، و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است، اطلاع دادم و برای هر دو مثال‌ها زدم تا پند پذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی. همانا داستان آن کس که دنیا را آزمود، چونان مسافرانی است که در سر منزلی بی‌آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا، آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می‌کنند... تا به جایگاه وسیع و منزلگاه آمن، با آرامش قدم بگذارند و هیچ چیز برای آنان دوست‌داشتنی نیست، جز آنکه به منزل آمن، و محل آرامش برسند. اما داستان دنیاپرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت‌ها می‌خواهند به سرزمین خشک و بی‌آب و علف کوچ کنند؛ پس در نظر آنان چیزی ناراحت‌کننده‌تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می‌شوند و ناراحتی‌ها را باید تحمل کنند»^۲.

امام راحل رضی الله عنه در وصیت‌نامه الهی و سیاسی خویش می‌فرماید: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا، از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم...»^۳. او مصداق این آیه شریفه است: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي»^۴؛ به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است و در بهشت وارد شو»

۴. عبرت از گذشتگان

یکی از آثار تربیتی آخرت‌باورانه، عبرت‌آموزی از سرنوشت گذشتگان است؛ زیرا این امر آینده‌های تمام‌نمایی هستند که ناپایداری دنیا را نشان داده و به همه می‌آموزد که روزگار با نسل

۱. مومنون: ۱۱۵.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۳۹۶.

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۴۵۰.

۴. فجر: ۲۹ و ۳۰.

آینده همان رفتار می‌کند که با گذشتگان کرد: «إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِّهِ بِالْمَاضِينَ»^۱ گذشتگانی که همواره بر قدرت و ثروت خویش مغرور بودند، هم‌اکنون زیر انبوهی از خاک رها شده‌اند». از این رو امام علی علیه السلام با بیان سرگذشت گذشتگان، همه را به عبرت‌آموزی فرا خوانده است:

همانا گذشتگان را دیدی که ثروت‌ها اندوختند و از فقر و بیچارگی وحشت داشتند و با آرزوهای طولانی فکر می‌کردند در امانند و مرگ را دور می‌پنداشتند، دیدی چگونه مرگ بر سرشان فرود آمد و آنان را از وطنشان بیرون راند؟... آیا ندیدید آنان را که کاخ‌های استوار می‌ساختند و مال‌های فراوان می‌اندوختند، چگونه خانه‌هایشان گورستان شد و اموال جمع‌آوری شده‌شان تباه و پراکنده و از آن وارثان گردید و زنان آنها با دیگران ازدواج کردند...^۲

امام علیه السلام در جای دیگری فرموده است: «يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمُظْلُومِ»^۳ روز اجرای عدالت بر ستمگر، سخت‌تر است از روز ظلم ستمگر بر مظلوم». جمعی از شارحان نهج‌البلاغه مقصود از این سخن را انتقام الهی در روز قیامت دانسته‌اند. در این صورت شدیدتر بودن روز انتقام مظلوم آشکار است؛ زیرا مظلوم یک‌بار به دست ظالم کشته یا مجروح می‌شود، ولی کیفر ظالم در روز قیامت مکرر خواهد بود و به آسانی پایان نمی‌یابد. این در حالی است که بعضی دیگر آن را اشاره به انتقام‌های الهی در دنیا و آخرت دانسته‌اند؛ زیرا تجربه نشان داده است که گروه زیادی از ظالمان، پیش از گرفتار شدن به مجازات الهی در آخرت، در همین دنیا کیفر شدیدی می‌بینند. نیم‌نگاهی به تاریخ شاهد مصداق‌های زیادی در این زمینه است. در طول عمر خود نیز بسیاری از ظالمان را دیده‌ایم که به چه روز سیاهی نشستند و گرفتار چه عقوبت‌های دردناکی شدند.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۲۲۱.

۲. همان، ص ۱۹۰.

۳. همان، ص ۵۳۴.

فهرست منابع

کتاب

۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲. صدوق، محمد بن علی؛ اعتقادات‌الامامیه؛ چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ش.
۶. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۰ق.
۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۸. موسوی خمینی؛ سید روح‌الله؛ صحیفه‌امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹ش.

سایت‌ها و نشریات

۱. رستمی، رستمی و همکاران؛ «اضطراب مرگ در سالمندان: نقش سرسختی روان‌شناختی و التزام عملی به نماز»؛ مجله روان‌شناسی پیری، دوره پنجم، شماره چهارم، ۱۳۹۸، ص ۳۲۰-۳۰۹.
۲. محمدقاسمی، محمد؛ «آثار تربیتی اعتقاد به معاد از منظر داستان‌های قرآن»؛ خبرگزاری فارس؛ ۱۳۸۵/۰۲/۰۷، کد خبر: ۸۵۰۲۰۶۰۳۶۴.